



۰۷/۰۱/۲۰۲۳

کاندید اکادمیسین سیستانی

## سیاس از زحمات فرهنگی پراج داکتر سید عبدالله کاظم !

خبرمسرت بار نشر ۱۰۸ مین و آخرین بخش از سلسله مقالات تاریخی (نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان) را از زبان دوست ارجمند قیس کبیردرحالی شنیدم که به علت ابتلا به ویروس انفلونزا، چند روزی نتوانسته بودم سری به پورتال افغان جرمن بزنم و از مطالب علمی آن مستفید شوم .

اتمام این اثرگران سنگ تاریخی را در هشتادمین سال عمر پربار داکترصاحب سید عبدالله کاظم، به خودشان، دوستان و علاقمندان تاریخ کشورصیمانه تبریک و تهنیت میگویم.

داکتر صاحب کاظم، یکی از محققین دانشمند افغانستان است که عاشق وطن و تاریخ معاصر آنست و تا کنون در بخش های مختلف حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی افغانستان در قرن بیستم تحقیقات و پژوهش های عمیق و گسترده ئی انجام داده است. این پژوهش به سلسله تحقیقات بر زندگی سیاسی شهید داودخان (در حجم ۱۳۰۰ صفحه ) و بدنبال آن بررسی رخدادهای سیاسی دوران حکومت شاه محمودخان(در ۴۲۰ صفحه) به گمانم باحجم کم و بیش معادل کتاب زندگی سیاسی شهید داودخان است و به تمام سوالاتی پاسخ خواهند داد که در ذهن مردم چیز فهم افغانستان در بارهٔ بقدرت رسیدن نادرخان خطور میکند.

من حدس میزنم که داکترکاظم این پژوهش تاریخی را بعد از آن آغاز نمود که اعلامیه شاه امان الله زیرعنوان «کشف الحال نادرخان بقلم اعلحضرت امان الله خان» در سایت مشعل از سوی قاسم اسمائی و بعد در پورتال افغان جرمن آنلاین در ماه سپتامبر ۲۰۲۱ به نشر رسید و مورد تبصره ها و تحلیل سیاسی و تاریخی متعددی برابعد آن از سوی اهالی قلم و منجمله داکترصاحب سید عبدالله قرارگرفت. خوشبختانه استادکاظم پیرامون آن اعلامیه مقاله مفصلی (در ۸ قسمت) نوشت و به نشر رسانید که اینک آن مقاله ممتع در این مجموعه مقالات در جای مناسبش آورده شده است.

مؤلف هدفش را در آغاز آخرین بخش از این سلسله تحقیقات چنین بیان میکند: «هدفم از این نوشته و نوشته های قبلی چیز دیگری نبوده، جز روشن ساختن بعضی حقایق تاریخ معاصر کشور که نشیب و فراز زمان و جریان حوادث ، بیان واقعیت ها را تحت الشعاع خود قرار داده و از مسیر واقعی بعضاً منحرف ساخته است.با فهم اینکه سعی و تلاش برای روشن ساختن حقایق تاریخی بطور مستند و منطقی وظیفه و رسالت هر علاقمند و محقق مسایل تاریخی محسوب میشود ، من هم خواستم تا حد ممکن دین خود را در برابر نسل موجود و خاصاً نسل فردای کشور با نوشتن چند کتاب و تعدادی از مقالات در این زمینه ادا سازم.» (بخش ۱۰۸)

در همینجا می‌خواهم اشاره کنم که هیچگاه کسی که به ویروس ایدیلوژی مصاب شده باشد، نمیتواند تاریخ قابل قبول برای نسل های فردای این کشور بنویسد. منظورم منسوبین احزاب سیاسی چپ و راست افغانستان در دهه دیموکراسی است که پس از قدرت یابی کشور را به خون و خاک کشیدند. شخص منسوب به این احزاب و گروه ها، سعی میکند گروه سیاسی که خود بدان منسوب است، آنرا از خطاها سیاسی تبرئه نماید و گناه را بگردن جناح یا گروه مخالف خود بنیادازد.

خوشبختانه داکترسید عبدالله کاظم، کسی است که هیچگاه منسوب به احزاب سیاسی آزموده شده در افغانستان نبوده است و گذشته از این، ایشان درجا و مکانی زندگی میکنند(امریکا) که مسأله «بیم» و «امید» بر پژوهش های ایشان تأثیر نداشته است. از این نگاه تحقیقات و پژوهش های داکتر کاظم بیغرضانه و خالی از حب و بغض شخصی و طمع به جاه و مقام و گرفتن صله و پاداش از کسی به سر رسیده است و بسیار ارجناک میباشد.

داکتر کاظم، پژوهشگر برجسته یی است که پیوسته مینویسد، تحقیق میکند و هر موضوعی که مطرح میسازد، بر مبنای اسناد و منابع متعدد و اغلب دست اول سخن میزند که قناعت خواننده را فراهم میکند. یک چنین اثری مستند و محققانه ای تا کنون کسی در باره خاندان آل یحیی ننوشته است.

نکته قابل تذکر دیگر این است که پژوهش های داکتر کاظم استوار بر معیارها و استانداردهای علمی تاریخ نگاری است و این پژوهش ها می تواند به عنوان نمونه های کار اکادمیک برای نوشتن تیزس های علمی پایان تحصیلی دوره دوکتورا و ماستری در پوهنتونهای افغانستان سر مشق قرار داده شود تا محصلان پوهنتونها در کار پژوهش و تحقیق علوم اجتماعی از نمونه کار استاد کاظم تاسی جویند و بیاموزند.

این کار نه تنها رهنمود خوبی برای نسل جوان جهت فهمیدن متود کار تحقیقات علمی و اکادمیک است، بلکه ارج گذاری به یک دانشمند برجسته وطن نیز میباشد.

استاد کاظم در ادامه تحقیق بر زندگی و کار کردهای شهید محمد داودخان (در حجم سه جلد کتاب) ، درباره شاه امان الله غازی نیز صاحب تحقیقات تاریخی دست اول است. «شاه امان الله غازی و برنامه های انکشاف معارف در کشور» (در ۲۲ بخش) از سلسله مقالات تحقیقی مهمی است که در پورتال افغان به نشر سپرده است و برای فهم و درک برنامه های تعمیم و رشد معارف در عصر امانی خیلی مهم است و یکی از فصول درخشان آن دوره را تشکیل میدهد. به نظر من این سلسله مقالات در زمینه تاریخ معارف کشور ما اگر بی نظیر نباشد، حتماً کم نظیر خواهد بود.

امیدوارم استاد کاظم این سلسله مقالات بسیار مهم و کمیاب را همراه با پژوهش های دیگر خود در باره شاه امان الله را در یک مجلد گنجانیده، موفق بچاپ آن بشوند تا نسل های حال و آینده افغانستان هر چه بیشتر از دوره رنسانس افغانستان (دوره امانی) مطلع گردند.

در اخیر پیشنهاد میکنم تا نام کتاب را هنگام چاپ کوتاه تر کنند، زیر عنوان دراز برای کتب علمی زیبا نیست.

به امید طول عمر و موفقیت های هر چه بیشتر استاد کاظم گرامی